

یارا

ماهنامه علمی دانشجویی فرهنگیان
انجمن کودکان استثنایی یارا

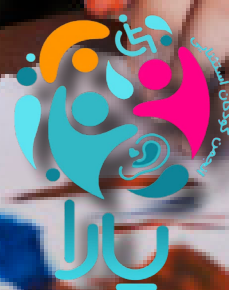
سال اول-شماره اول- خرداد 1402

شماره مجوز
51300/1750/513/1



آنچه در این شماره میخوانیم:

معرفی انجمن یارا
تاریخچه کودکان استثنایی
معرفی کودکان استثنایی
مقایسه کودکان عادی و استثنایی





فهرست

- ۱/ سخن سردبیر
- ۲/ برگی از یک زندگی
- ۳/ معرفی انجمن یارا
- ۴/ تاریخچه کودکان استثنایی
- ۵/ معرفی کودکان استثنایی
- ۶/ مقایسه کودکان عادی و استثنایی
- ۷/ حکایت

سردبیر: عاطفه صبیحی اهوازی
مدیر مسئول: عاطفه صبیحی اهوازی
طراحی و صفحه آرایی: عاطفه صبیحی اهوازی
صاحب امتیاز: انجمن کودکان استثنایی یارا
 دانشگاه فرهنگیان اهواز
هیئت تحریریه: مرضیه یادگاری، فاطمه احمدی، زهرا داستانی، فائزه بهمنی، نرگس آذرباد، راحله مهدی پور
گویندگان: فاطمه اورکی، زهرا استوی بیتا جعفرخواه
راه های ارتباطی با ما:

@yara_association
 @yara_association
 @yara_association



سخن سردبیر

دفتر را به نام او می گشایم که هر امری بی یاد او بی حاصل است.
 سلام

کودکان استثنایی، استثنایی نیستند، آن ها فقط در برخی از زمینه های روحی و جسمی دچار کم توانی شده اند. ما باید یاد بگیریم که از واژه های درست استفاده کنیم. این کار ما باعث می شود روحیه ی این کودکان تا درصد بسیار زیادی بیشتر شده و انگیزه شان نسبت به زندگی افزایش یابد. چه بسیار کودکان استثنایی بوده اند که توانسته اند نقش خود را به عنوان یک انسان تاثیرگذار ایفا کنند و زندگی شان را هدفمند کنند.

ما انجمن یارا تصمیم گرفتیم برای اینکه مردم جامعه بتوانند بیشتر با دنیای این افراد آشنا بشوند، نشریه یارا را در خردادماه سال 1402 تاسیس کنیم. نشریه ما قصد دارد با انتشار مطالب علمی و تجربیاتش مردم را نسبت به طیف های متفاوت کودکان با نیازهای ویژه آگاه تر سازد. نشریه یارا با هدف آگاهی بخشی و فرهنگسازی تاسیس شده است. در این نشریه قصد داریم با طراحی بخش های مختلفی از جمله: برگی از یک زندگی، من حامی حقوق افراد با نیازهای ویژه هستم، معرفی کتاب و حکایت و همچنین بخش های علمی در جهت تحقق هدف خود پیش رویم.

تشکر میکنم از مسئولین محترم دانشگاه و دوستانم برای ایجاد یک ماهنامه تخصصی.

یا حق

عاطفه صبیحی اهوازی

خرداد 1402



کارلین دختری سه ساله است. برادرش پارکر و خواهرش راچل دوست دارند تا با کارلین بخندند و بازی کنند. آنها او را سوار سورتمه می کنند؛ برادرش از کشتی گرفتن با او لذت می برد. آنها از کنار یکدیگر بودن لذت می برند. در واقع پارکر به مادرش می گوید که کارلین محبوب ترین فرد دنیا برای اوست. وقتی که کارلین به دنیا آمد، ابتدا نفس نمی کشید. هنگامی که دکترها تنفس او را باز گرداندند به مشکل های جسمی دیگری پی بردند و تشخیص دادند که او عقب ماندگی ذهنی دارد. مادرش جانا شرح می دهد: «غم انگیز بود. نمی توانم بگویم وقتی که می فهمید نقصی در فرزندان هست، چه احساسی در شما به وجود می آید.» پدر کارلین خیلی به او می رسد. «من و جانا خیلی درباره ی کارلین باهم صحبت کردیم. یکی از نکاتی که به آن توجه کرده ایم این است که وقتی مردم با کارلین تعامل دارند، اندکی متفاوت رفتار می کنند. می دانید، آنها احساس خوبی درباره ی او دارند، و میدانند که چه چیزی خوب و درست است، اما ما می خواهیم که کارلین همان چیزهایی را که سایر فرزندانمان داشته اند، داشته باشد. ما می خواهیم که مردم بدانند که حرف زدن و تعامل با کودکانی که دارای ناتوانی هستند طبیعی است، و باید همان گونه رفتار کنند که در زندگی روزمره رفتار می کنند. من امید و اطمینان زیادی دارم که آینده ی کارلین بسیار روشن است. فکر میکنم همه اعضای خانواده از اینکه کارلین را داریم، شکرگزار هستیم.

گاهی فکر می کنم ما را زنده نگه می دارد، زیرا بعضی اوقات تنش را است، اما با این همه ما به خاطر داشتن کارلین شکرگزار هستیم. او مایه خوش بختی ماست.» وقتی که کارلین برای نخستین بار به مدرسه ابتدایی رفت در دروره پیش دبستانی بود. مدرسه تا اندازه ای بزرگ به نظر می رسید و احتمالاً برای او ترسناک بود. ابتدا او فقط تماشا می کرد؛ ولی با کودکان تعامل نمی کرد. اما حالا دوست دارد تا با پسرهای ماشین بازی و با دخترها عروسک بازی کند. او از در کنار دیگران بودن یاد می گیرد و لذت می برد. او از همه ی کودکان پیرامون خود برای یادگیری استفاده می کند. او از هرکسی چیزی یاد می گیرد. کارلین در مدرسه بر روی غذا خوردن و نوشیدن خود کار کرد. از نظر علمی مهارت های حرکتی را خیلی خوب تمرین می کرد. هنگامی که کارلین مرحله ای را با موفقیت پشت سر می گذاشت، برای مثال، وقتی که حدود ۳۰۰ متر قدم زد، ۵ بطری آب را نوشید، و قطعه های پازل را کنارهم قرار داد، معلمش یادداشتی برای خانواده ی او فرستاد. معلم کارلین امیدوار است هنگامی که به ۵ سالگی می رسد، بتواند به کلاس کودکان تلویزیونی برود که هرگونه خدماتی که به آن نیاز دارد را برایش فراهم کنند. براساس گفته ی معلم کارلین «رشد کارلین جهشی و پیش رونده است. او از ما به همان اندازه بهره مند می شود که ما از او بهره مند می شویم.»



معرفی انجمن یارا

هفت خان تشکیل انجمن



از شناخت دغدغه‌ها تا شکل‌گیری انجمن یارا... ما دانشجویهای رشته آموزش کودکان با نیازهای ویژه ای هستیم که با عشق و علاقه وارد این رشته پر چالش شدیم و تصمیم گرفتیم که شناخت مان را نسبت به بچه‌های دارای شرایط خاص و چالش‌هایی که در جامعه با آن دست و پنجه نرم میکنند، بیشتر کنیم تا بتوانیم معلم بهتری در آینده برای آنها باشیم. در راه شناخت مان با افزایش اطلاعات مان متوجه کمبودها و دغدغه‌های این بچه‌ها از سنین کودکی تا بزرگسالی شدیم؛ مشکلاتی که برای حل شدن راه درازی را در پیش داشتند که بخش بزرگی از آنها نیاز به همراهی افراد جامعه دارد. به همین دلیل تصمیم گرفتیم به عنوان یکی از اعضای کوچک مرتبط با این جامعه برای حل این چالش دست به عمل بزنیم و دور هم جمع شدیم و دغدغه‌های مشترک مان را تبدیل به اهداف مشترک مان کردیم. اهدافی که در صورت تحقق می‌توانستند گامی هرچند کوچک اما تاثیرگذاری در رابطه با افراد با نیازهای ویژه باشند.

وارد میدان عمل شدیم...

ما افراد دغدغه مند دور هم جمع شدیم و یکی یکی چالش‌ها را از نظر گذرانیدیم و برای حل آنها راهکارها و ایده‌هایی را پیشنهاد دادیم. آنها را اولویت بندی کردیم و با افراد با تجربه و آگاه در این مسئله مشورت کردیم تا افق دید بهتر و آینده نگری بهتری داشته باشیم و محتواهای مان را طبق نیازها آماده کردیم.

دست به دست هم تا فتح قله های موفقیت...

ما اعضای انجمن یارا امید داریم تا در کنار هم و همکاری هم بتوانیم تحول آفرین باشیم و برای رشد علمی خودمان و بعد افراد متخصص در این حوزه و سپس خدمت‌رسانی به افراد دارای نیازها ی ویژه برای زندگی بهتر آن‌ها تلاش کنیم. به این ترتیب تصمیم گرفتیم هدفایمان را در قالب اسم انجمن مان بگنجانیم به همین دلیل **یارا** را با معنای **توانایی، قدرت...** برای انجمن مان انتخاب کردیم که سمبلی از ما باشد.





تاریخچه

ریشه‌های تاریخی آموزش و توجه به کودکان استثنایی به گونه‌ای که امروز مطرح است را می‌توان در اوایل سال‌های ۱۸۰۰ میلادی در میان تلاش‌های تنی چند از پزشکان محقق یافت. قبل از آن نه تنها به این کودکان توجه جدی نمی‌شد بلکه همواره این کودکان در معرض بی‌مهری، غفلت و آزار و اذیت قرار داشتند که علت آن عدم آگاهی جامعه از علت واقعی برخی از اختلالات و ناتوانی‌ها و وجود باورهای خرافی و نادرست درباره‌ی این کودکان بود؛ موضوعی که بر مشکلات و وخامت اوضاع آنان می‌افزود.

تا اوایل قرن نوزدهم کتاب یا رساله‌ای علمی در زمینه کودکان استثنایی و افراد مبتلا به اختلالات رفتاری (افراد ناسازگار) نوشته نشده بود. اولین بار فیلیپ پینل در سال ۱۸۰۱ در کتابی به نام رساله پزشکی فلسفی درباره جنون شور و شوق طبقه‌ای را به عقب ماندگان ذهنی اختصاص داد. به عبارتی نخستین توجه‌های اساسی به مسائل کودکان عقب مانده ذهنی و استثنایی، انقلاب کبیر فرانسه و برابری حقوق بشر بود و در همین برنامه‌های انقلابی بود که مراقبت، درمان و آموزش کلیه افرادی که به سن تحصیل رسیده بودند و همین‌طور مسئله کودکان استثنایی مورد توجه قرار گرفت.

در کشور ما تاریخچه برنامه آموزش و پرورش استثنایی به دهه اول قرن چهاردهم شمسی مربوط می‌شود. در این دوران مدرسه ناشنوایان در تهران توسط مرحوم جبار باغچه بان و نخستین مدرسه ویژه‌ی نابینایان در تبریز به وسیله یک کشیش آلمانی به نام " کریستفل" تأسیس و به دنبال آن در چند شهر دیگر مدارس مشابه توسط افراد خیر و آگاه بنیاد نهاده شد. در این مورد می‌توان از تأسیس مدرسه شبانه‌روزی نابینایان در تهران در سال ۱۳۲۸ و مدارس دیگر چون ابابصیر در اصفهان را نام برد. در سال ۱۳۴۷ بخشی به نام بخش آموزش دانش‌آموزان استثنایی در وزارت آموزش و پرورش ایجاد شد. در واقع مسئولیت این بخش شناسایی و جابجایی مطلوب و آموزش و پرورش تمامی کودکانی بود که به علت تفاوت‌های قابل ملاحظه ذهنی، جسمی و عاطفی قادر به استفاده از برنامه‌های عادی آموزش و پرورش نبودند.



معرفی کودکان با نیازهای ویژه

متفاوت بودن آسان نیست. همه ی ما رنج ناشی از عدم تعلق و عضویت از یک گروه نبودن را تجربه کرده ایم. برای همه ی ما پیش آمده که از ناتوانی در انجام دادن کاری که از حد توانایی ها و مهارت های ما بیرون بوده است، احساس عجز کنیم، یا از انجام دادن کارهای بسیار آسان حوصله مان سر برود. مسلماً، متفاوت بودن همیشه چیز بدی نیست و گاهی باعث میشود به چشم دیگران جالب به نظر بیاییم. ولی همین متفاوت بودن باعث میشود که خود را برای برآورده کردن انتظارات جامعه منطبق و سازگار کنیم. وقتی متفاوت بودن به این معناست که کودک نمیتواند اطلاعات را با حواس عادی خود به دست آورد، نمیتواند منظورش را برساند یا اطلاعات را بیش از حد سریع یا بیش از حد کند پردازش میکند، مسئولان مجبور میشوند در برنامه ی درسی و نحوه ی آموزش تغییراتی به وجود آورند. اصطلاح کودک استثنایی هم کودکانی را که اختلالات رشدی دارند و هم کودکانی را که توانایی های بسیار بالا دارند را دربرمیگیرد. اصطلاح استثنایی اصولاً یک اصطلاح آموزشی است که فقط به تعداد معدودی از دانش آموزان گفته میشود که تفاوتها و انحرافات آنان از متوسط جامعه سنی خود متفاوت است شخصی که طبق روانشناسی رشد و مراحل آن یا به عبارت دیگر پیش از ۱۸ سالگی قرار دارد و نسبت به هنجارهای جامعه از نظر هوشی و کارکردهای جسمی عملکرد پایین تری دارد، به عنوان کودک استثنایی شناخته میشود. در بحثهای تخصصی به دلیل نیاز به مراقبتهای خاص به این کودکان، کودک با نیازهای ویژه نیز گفته میشود. درواقع دانش آموزان استثنایی، آنهایی هستند که برای دستیابی به بالاترین حد توانایی های انسانی خود، به آموزش ویژه و خدمات وابسته نیاز دارند

انواع کودکان استثنایی (کودکان با نیازهای ویژه):

کودکان استثنایی را میتوان در طبقه بندیهای متفاوتی دسته بندی کرد. یکی از انواع طبقه بندیهای کودکان استثنایی به صورت زیر است: ۱. کم توان ذهنی (عقب مانده ذهنی) ۲. تیزهوشی ۳. نابینایی و کم بینایی ۴. ناشنوایی و کم شنوایی ۵. اختلالات یادگیری ۶. بیش فعالی کودکان ۷. اختلال طیف اوتیسم ۸. معلولیت - ۹ فلج مغزی ۱۰. معلولیت های چندگانه

طبقه بندی زیر که از کودکان استثنایی به عمل آمده، نمونه هایی از تفاوت های میان فردی آنهاست:

تفاوت های هوشی:

کودکانی که هوش سرشار دارند و کودکانی که در یادگیری ضعف نشان میدهند. (تیزهوشی و معلولیت ذهنی)

تفاوت های ارتباطی:

کودکانی که به اختلالات گفتاری و زبانی و معلولیت هایی مثل اختلال طیف اوتیسم مبتلا هستند، یعنی به ناتوانایی هایی که در آنها، ارتباط برقرار کردن با دیگران با تاخیر شروع میشوند یا نقص دارند. ناتوانایی های یادگیری کودکانی که در آموختن دروس مدرسه یا توجه کردن به معلم مشکل دارند.

ناتوانایی های یادگیری:

کودکانی که در آموختن دروس مدرسه یا توجه کردن به معلم مشکل دارند.

تفاوت های حسی:

کودکانی که نارسایی های شنوایی یا بینایی دارند.

تفاوت های رفتاری:

کودکانی که نابهنجاری های هیجانی دارند یا از لحاظ اجتماعی ناسازگارند.

معلولیت های چندگانه و شدید:

کودکانی که به طور همزمان، از نارسایی های مختلف رنج میبرند، مثل فلج مغزی به همراه معلولیت های ذهنی و رشدی، یا ناشنوایی به همراه نابینایی

تفاوت های جسمی:

کودکانی که نارسایی های غیر حسی دارند، نارسایی هایی که مانع حرکت (مثلاً راه رفتن) سلامت و جنب و جوش فیزیکی می شوند.

تعداد کودکان استثنایی

این اعداد به ما خواهند گفت که تعداد کودکان استثنایی حدوداً چقدر است و به ما خواهند گفت که مسئله تا چه اندازه اهمیت دارد و جامعه تا چه اندازه باید برای آن هزینه کند کودکان استثنایی رابه ده طبقه تقسیم میکنند. اما بسیاری از آنهایی که در این طبقات جای میگیرند به یک اندازه مشکل ندارند. استثنایی های شیوع بالا عبارتند از: اختلال یادگیری خاص، معلولیت ذهنی، اختلالات هیجانی و رفتاری، اختلالات ارتباطی، اختلال طیف اوتیسم، تیزهوشی و با استعداد

تعداد افرادی که در طبقه اختلالات یادگیری قرار میگیرند از تعداد سایر طبقات بیشتر است تقریباً ۵۰ درصد کل کودکان استثنایی در این طبقه جای میگیرند. دومین طبقه از نظر تعداد کودکان هستند که اختلالات زبانی و گفتاری دارند و تقریباً ۲۰ درصد از کل کودکان استثنایی را تشکیل میدهد بعد از آن معلولان ذهنی حدود ۱۰ درصد و کودکان با اختلالات هیجانی رفتاری حدود ۸ درصد از طبقه کودکان استثنایی را به خود اختصاص میدهند. کودکان استثنایی درباره ی رشد انسان مطالب مهمی در اختیار ما می گذارند، با پژوهش درباره ی کودکانی که با هنجارهای تثبیت شده بسیار تفاوت دارند و آموزش آنها، درباره ی شیوه های مختلف و فراوان رشد و یادگیری کودکان مطالب زیادی می آموزیم و درباره فرایند رشدی همه ی کودکان اطلاعات زیادی به دست می آوریم مهارت ها و راهبرد های آموزشی خود را در رابطه با همه ی کودکان، گسترش میدهم.





مقایسه کودکان

عادی و استثنایی

مطالعه کودکان با نیازهای ویژه، مطالعه تفاوت ها و شباهت هاست. کودک با نیازهای ویژه در درجه اول یک کودک است و بعد کودکی است با نیازهای ویژه، یعنی ابتدا بر جنبه های انسانی و سپس بر ویژگی های منحصر به فرد هر کودک تاکید می شود. به هر حال، کودکان با نیازهای ویژه در برخی حوزه ها با کودکان عادی تفاوت دارند در حقیقت آنها از نقطه نظر خصوصیات مختلف جسمانی، ذهنی، روانی، عاطفی، سازگاری اجتماعی و غیره یکسان نبوده و نسبت به دیگران دارای تفاوت های خاصی می باشند. و به خدمات آموزشی ویژه و حمایت های گسترده نیاز دارند تا از کل استعداد خود استفاده کنند.

۱. نشستن، چهار دست و پا راه رفتن یا راه رفتن این کودکان دیرتر از دیگر کودکان هم سن خود انجام می گیرد.
۲. این کودکان دیرتر از بچه های هم سن خود شروع به حرف زدن می کنند یا در صحبت کردن مشکل دارند.
۳. در درک قوانین و رفتارهای اجتماعی نسبت به همسالان عادی خود مشکل دارند.
۴. در درک عواقب کارها و اقدامات به مشکل بر می خورند.
۵. در به خاطر سپردن اطلاعات مشکل دارند.
۶. قادر به حل مشکلات نیستند.



حکایت نیکی کردن

شنیدم که پیری به راه حجاز
چنان گرم رو در طریق خدای
به آخر ز وسواس خاطر پریش
به تلبیس ابلیس در چاه رفت
گرش رحمت حق نه دریافتی
یکی هاتف از غیبش آواز داد
مپندار اگر طاعتی کرده‌ای
به احسانی آسوده کردن دلی

به هر خطوه کردی دو رکعت نماز
که خار مغیلان نکندی ز پای
پسند آمدش در نظر کار خویش
که نتوان از این خوب تر راه رفت
غرورش سر از جاده برتافتی
که ای نیکبخت مبارک نهاد
که نزلی بدین حضرت آورده‌ای
به از الف رکعت به هر منزلی

پیری به قصد حج به حجاز میرفت و در هر قدم دو رکعت نماز می خواند و آنچنان گرم نماز و این کار بود که تیغ و خار بیابان را از پای خود در نمی آورد تا اینکه در نهایت به وسوسه ای دچار تکبر شد و از این کار خودش خوشش آمد و شیطان او را به چاه غرور افکند که از این بهتر نمی شود راه رفت و اگر خداوند به او رحم نکرده بود از راه مستقیم گمراه میشد که غرور گناه شیطان و بسیار خطرناک است. هاتفی از سمت خدا در گوش دلش زمزمه کرد که ای مبارک نهاد (اشاره به تبریک خدا به خود هنگام آفرینش انسان) گمان نکن اگر نماز و اطاعتی کرده ای، هدیه ای به حضور خداوند فرستاده ای که به احسان و خوبی کردنی در بدست آوردن دل رنجوری بهتر از هزار رکعت نماز در هر قدم است چون نماز به طمع بهشت برای خود است و نه خدا ولی خوبی به دیگران به خدا می رسد که مردم بندگان خدا هستند



کاش قبل از اینکه واژه هایی مثل استثنایی و خاص به وجود
می آمد، تعریفی در بین مردم رواج می گرفت که میگفت ما
همه انسانیم. یک کودک کم توان ذهنی نیاز به محبت دارد،
نیاز به عشق و مهرورزی دارد.

راه های ارتباطی با ما:

 @yara_association

 @yara_association

 @yara_association

